نشریهٔ علمی جستارهای نوین ادبی، شمارهٔ ۲۰۹، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jls.v53i3.87343

حدیث بطی بررسی و نقد بیتی از حدیقهٔ سنایی

دکتر احمد رضایی[۱]

چکیده

در شروح متون، بسیاری از اوقات با توضیحاتی مواجه می‌شویم که پیوند چندانی با متن ندارد و به نظر می‌رسد چنین گسستی نتیجهٔ بی‌توجهی به ساختار کلام است؛ به عبارت دیگر، این گسست ممکن است از تمرکز بر یکی از عناصر متن مانند واژگان، اصطلاحات، صور بلاغی یا اشارات و وانهادن سایر مؤلفه‌ها ناشی شده باشد که نتیجهٔ آن غفلت از ساختار متن به عنوان یک کلِ منسجم است؛ ازجمله آثاری که شاید به دلیل اهمیت و تأثیر آن بر متون مختلف، همواره مورد نظر شارحان بوده، حدیقهٔ سنایی است. لکن در شروح مختلف حدیقه نیز ابیاتی دیده می‌شود که یا شرح آنها بدون توجه به ساختار کلیِ متن است یا تقریر و تکرارِ شرح و دریافتِ دیگران بدون تأمل در جوانب آن. پژوهش حاضر به بررسی شرح یکی از ابیات حدیقه پرداخته که در آن شارحان بدون توجه به صدر و ذیل متن یا به تعبیری بدون عنایت به بافت کلام، به تبعیت از شرح و گفتهٔ دیگری، گرانیگاه بیت را اشارت به داستانی دانسته‌اند و بر همین اساس مطالبی را عرضه کرده‌اند که چندان پذیرفتنی نمی‌نماید؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد اشارت بیت به نامِ شخصی خاص است که ازجمله راویان حدیث به شمار می‌رود.

کلیدواژه ها: نقد، شرح، حدیقهٔ سنایی، حدیث بطی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم
a-rezaei@qom.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

مقدمه

شروح متون به منظور تبیین و روشن کردن جوانب گوناگون متن مورد نظر برای خوانندگان است؛ به سخنی دیگر از نظر شارح، متن دارای پیچیدگی‌هایی است که ممکن است خواننده، حتی خوانندهٔ متخصص، نتواند آن را برطرف کند؛ ازاین‌رو شارح کوشش می‌کند چنین غوامضی را مرتفع کند و خواننده را از جریان کلام مطلع نماید. می‌توان گفت پیچیدگی‌هایی که شارح در پی تبیین آنهاست، ناشی از دو مؤلفه است:

الف) **دستگاه‌های مختلف متن**: این بخش تمام عناصر متنی یعنی دستگاه‌های زبانی، بهویژه واژگان (ازجمله معانی لغات و اصطلاحات خاص)، دستگاه نحوی و دستگاه بلاغی را دربرمی‌گیرد. شارح متن با توجه به پیچیدگی‌ای که ممکن است از یکی از موارد مذکور نشأت گرفته باشد، به توضیح و تبیین متن می‌پردازد.

ب) **فرامتن‌ها**: گاهی غموض متن حاصل ساختارهای متنی (به‌گونه‌ای که اشاره شد) نیست بلکه از عناصر یا مؤلفه‌های خارج از متن است که در اینجا با عنوان فرامتن از آن یاد می‌شود؛ پر واضح است پیوند میان متن و فرامتن بر مبنای نشانه و دلالتی خاص است، یعنی در خود متن نشانه‌ای از پیوند آن با فرامتن دیده می‌شود و شارح نمی‌تواند از نزد خویش فرامتنی را در متن جای دهد، حاصل اینکه دریافتِ معنای متن در گروِ دانستن فرامتن مورد نظر است. اشارات یا زمینه‌های تاریخی را می‌توان از این دست به شمار آورد.

مؤلفه‌های یاد شده نمی‌توانند مستقل و جدا باشند، بلکه باید آنها را در تعامل با یکدیگر در نظر آورد؛ این موضوع همان توجه به «شکل اثر ادبی» است که فرمالیست‌ها نیز بر آن بسیار تأکید می‌کردند، بر اساس آن هر نکتهٔ ادبی، از واژه تا سخن، باید در پیوندی که با سایر نکته‌ها دارد، بررسی شود (احمدی ۱۳۷۲: ۵۰). در این صورت متن کلِ ساختارمندی را تشکیل می‌دهد که دستگاه‌های گوناگون آن در پیوند با یکدیگرند و هر عنصر باید در ارتباط با عناصر دیگر، چه متنی و چه فرامتنی، بررسی شود.

با توجه به آنچه آمد، به نظر می‌رسد در بسیاری از شروح متون فارسی دو ویژگی به چشم می‌خورد: الف) بی‌توجهی به ساختار یا جزوی نگری: یعنی بدون توجه به ساختار کلی متن تنها یکی از اجزای آن را بررسی یا شرح می‌نمایند. ب) نقل بدون تفحصِ دریافت دیگران: علاوه بر جزونگری مسألهٔ دیگر در شرح متون، نقلِ گفته‌های دیگران بدون جستجو در کرانه‌های آن است. نقل و تکرار نظر دیگران در این شروح سه ویژگی دارد: الف) تکرار صرف و بدون تحلیل و نقد ب) بررسی نکردن درستی یا نادرستی مطلب که ممکن است از اعتماد شارح ناشی شده باشد ج) بی‌توجهی به ارتباط یا عدم ارتباط مطالب منقول با متن مورد نظر. این عوامل موجب گسستِ شرح با متن می‌شود.

حدیقهٔ سنایی ازجمله متونی است که به دلیل تأثیر بر اندیشهٔ نویسندگان و شاعران پس از خود و درنتیجه بر متون دیگر، می‌توان آن را از آثار اصیل (Canon) در زبان فارسی به شمار آورد؛ همین امر موجب پژوهش‌های بسیاری در جوانب این متن و به خصوص در حوزهٔ شرح آن شده است، لکن علی‌رغم کوشش شارحان، می‌توان گفت شروح حدیقه از آسیب‌هایی که اشاره شد بر کنار نمانده است. در این پژوهش به بررسی یکی از ابیات حدیقه یعنی:

تـو در ایـن راه مـعـرفـت غـلـطـی　　　　ســال و مـه مـانـده در حـدیـث بـطـی

(سنایی، ۱۳۷۴: ٦٩)

در شروح مختلف خواهیم پرداخت و نشان می‌دهیم این شرح‌ها گرفتار جزوی نگری و تکرار مطالب دیگران شده‌اند و چگونگی پیوند توضیحات خویش را با سایر اجزای متن تبیین نکرده‌اند و همین امر موجب دگرگونی عمیقی در معنای متن شده است.

پیشینهٔ پژوهش

بیت مورد بحث اگرچه از ابیات درخور توجه و نسبتاً آغازین حدیقهٔ سنایی است، بسیاری از آثاری که به شرح حدیقه یا توضیح مشکلات آن پرداخته‌اند یا گزیده‌ای از این اثر عرضه نموده‌اند، از شرح و تبیین این بیت خودداری کرده، توضیحی دربارهٔ آن ارائه نکرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به **تعلیقات حدیقه‌الحقیقه** مرحوم مدرس رضوی (بی‌تا)، **آب آتش فروز** (۱۳۹۲) از دکتر رضا اشرف زاده، **گزیدهٔ حدیقه‌الحقیقه** (۱۳۹۱) از دکتر علی‌اصغر حلبی، **گزینش و گزارش از حدیقهٔ سنایی** (۱۳۸۸) از سید محمد راستگو و **در باغ روشنایی گزیدهٔ حدیقه‌الحقیقه** (۱۳۸۲) از دکتر احمد مهدوی دامغانی اشاره کرد. در پنج متن دیگر شارحان به توضیح متن پرداخته‌اند که بررسی و نقد شرح آنان موضوع پژوهش حاضر است.

بررسی بیت سنایی در شروح پنجگانه

در اینجا نخست توضیحات شارحان به ترتیب تاریخی دربارهٔ بیت مورد نظر ارائه می‌شود، آنگاه به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم:

۱- لطایف الحدایق عبداللطیف

می‌توان از شرح عبداللطیف به عنوان نخستین شرح کامل حدیقه یاد کرد، این شرح بر سایر شروح حدیقه، به خصوص شروحِ کامل این متن، سایه افکنده است. عباسی در توضیح این بیت سنایی چنین آورده: «می‌فرمایند تو در راه حق معرفت را غلط کرده‌ای و سال و ماه در قیل و قال این راه درنگ و دیر مانده‌ای در این صورت راه و حدیث را موقوف باید خواند و اگر اضافت خوانده شود غلطی به معنی غلط کننده باید اعتبار نمود و اگر بط را جدا قرار داد یا را یای خطابی گفته شود به آن حدیث مناسبتی دارد که گویند روباه کنار آبی که بطان در آن می‌باشند آمده، بوته گیاهی کنده، در آب می‌اندازد و آن بوته چون به پیش قراول بطان که پاسبان و چوکبدار آن‌هاست می‌رسد، قراول تصور جانوری کرده به طریق معهود فریاد می‌زند، بطان همه آگاه شده، فریاد بر می‌آورند، دو سه مرتبه که روباه این عمل کرد و قراول فریاد زد، بطان زبان طعن بر او دراز می‌کنند که هیچ قضیه در میان نیست و تو ناله بی‌وجه می‌کنی و ما را بی‌ذوق می‌سازی، تا قراول هم فریب خورده همه غافل می‌شوند و تصور می‌نمایند بوته‌های گیاه است که از کنار آب کنده

شده و می‌آید، آخر روباه بوته در دهن گرفته، خود به آب درآمده بطی را ناگه به چنگ درمی‌آورد، آن وقت ناله و فریاد بطان فایده نمی‌بخشد»(عباسی، ۱۳۸۷: ۵۷). سپس عباسی بر اساس این حکایت بیت مذکور را چنین معنا کرده: «مانند حدیث حیلهٔ روباه با بط، سال و ماه در حرف و حکایت، زرق و سالوس و طاماتی و به مکر و حیله میل داری که راه معرفت را به دست آوری و به حیله خلق را صید کنی و در این معنی به‌غلط افتاده‌ای»(همان، ۵۷).

۲- طریقه بر حدیقه

شرح دیگر طریقه بر حدیقه است؛ علایی در توضیح این بیت گفته است: «در بطی، یای خطاب است. می‌فرماید که قیل و قال که ورای حال است، سال و مه غلط رفته و از معرفت و راه حق خبری نگفته. حدیث، فریاد بط عموماً. گویند که در قرارگاه بطان روبهی درافتد مستور و بوته‌ای از برگ و گیاه برکند و در برکه اندازد تا قافله‌سالار بطان که قراول و یتاقی ایشان باشد فریاد برآورد و ایشان بر آن فریاد بی‌هنگام روی در هم کشند و روبه یکی را از ایشان برباید تا پندارند که فریاد ایشان بی سود نبود. و، ای، بی‌حاصلی.

ای خوشـا حـالـت آن نفس کـه در پـای حریف سـر و دسـتـار نـدانـد کـه کـدام انـدازد

و این حکایت صید روبه است که بر کنار غدیری که مسکن بط‌هاست آمده چند دفعه بوتهٔ خار در آب اندازد، بطان فریاد برآورند چون ببینند که خار است آسوده گردند و این حیّاله چند کرّت چنین نماید تا به کلی آنها غافل شوند و صدای آب و بوته را محض وهم خود پندارند و دیگر به صدا و آنچه در آب است متوجه نشوند؛ آنگاه روباه بوته در دهان گرفته خود در آب درآید و این‌ها را صید بکند»(بهادر، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷).

ملاحظه می‌شود علایی تقریباً همان مطالب عباسی را آورده است، به خصوص داستان بط را که البته عباسی نیز مأخذی برای آن ذکر نکرده است. علایی نیز «حدیث بط یا بطی» را چیزی جز همان داستان روباه و بط ندانسته است و هیچ توضیح یا شرحی دربارهٔ پیوند داستانی که نقل کرده، با بیت مذکور نداده است. نکتهٔ حائز اهمیت اینکه ایشان حدیث را به معنای «فریاد بط عموماً» دانسته است، به سخنی دیگر از نظر ایشان یکی از معانی حدیث، فریاد بط است. با این اوصاف می‌توان معانی فراوانی برای حدیث در نظر گرفت؛ یعنی هنگامی‌که با صدای هر موجودی همراه شود، به معنای صدای آن موجود است!

۳- شرح مشکلات حدیقه سنایی

در کتاب شرح مشکلات حدیقه سنایی، شارح در توضیح این بیت نخست حکایت کلیله‌ودمنه را آورده «گویند بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید می‌پنداشت که ماهی است قصد می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت؛ چون بارها بیازمود و حاصلی ندید فروگذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی گمان بردی که همان روشنایی است، قصد نپیوستی و ثمرات این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماندی.» سپس حکایت و توضیحات عبداللطیف عباسی را

نقل کرده است؛ آنگاه اظهار داشته: «واضح است که حکایت اول بر این حکایت ترجیح دارد چون حکایت دوم در حقیقت بیان حیلهٔ روباه است نه ماجرای گمان بط آن‌چنان که در کلیله آمده است.»(طغیانی، ۱۳۸۲: ٦٩_٧٠).

۴- شرح دشواری‌هایی از حدیقه‌الحقیقه سنایی

مؤلف شرح دشواری‌هایی از حدیقه‌الحقیقه سنایی در تبیین این بیت آورده است: «حدیث بط: علامه دهخدا در امثال و حکم بعد از آن‌که شواهدی از عبارت را نقل می‌کند، می‌گوید: «جمله تعبیر مثلی است لیکن معنی آن چنانکه باید بر من روشن نیست» و در لغت‌نامه آورده است: «ظاهراً ممارست به خطا و تجربت غلط است». داستانی که در کلیله آمده و علامه دهخدا نیز آن را نقل کرده با مفهوم فوق مطابقت دارد؛ زیرا دریافت بط نیز در داستان بر مبنای وهم و گمان است. «گویند بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید می‌پنداشت که ماهی است قصد می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت؛ چون بارها بیازمود و حاصلی ندید فروگذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی گمان بردی که همان روشنایی است، قصد نپیوستی و ثمرات این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماندی.» (کلیله‌ودمنه، مینوی، ۱۰۲، نیز ر.ک کلیله‌ودمنه عربی، ۵۶). که بدین ترتیب «در حدیث بط بودن» کنایه از اشتباه‌کاری و درک درستی از حقیقت نداشتن است.»(درّی، ۱۳۹۲: ٤٤).

آنچه از علامه دهخدا نقل شده همراه با تردید و شک است؛ چنانکه در امثال و حکم گفته‌اند که معنای حدیث بط بر ایشان روشن نیست و در عبارت منقول از لغت‌نامه هم آمده است که معنای حدیث بط ظاهراً ممارست به خطا و تجربت غلط است، در مجموع علامه دهخدا نظر قاطعی در این مورد ابراز نفرموده‌اند. ترکیب «در حدیث بط بودن» نیز **منطبق نیست؟** اگر بخواهیم ترکیبی را در این بیت به عنوان کنایه مفروض بدانیم، **به نظر می‌رسد باید ترکیب «در حدیث بط \ چیزی ماندن» باشد که تفصیلاً بدان خواهیم پرداخت.**

۵- حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه

در تعلیقات این اثر آمده: «در لغت‌نامه برای توضیح حدیث بط به داستانی از کلیله‌ودمنه استناد شده است»(سنایی، ۱۳۹۷: ۹۲۰)، سپس همان داستان کلیله‌ودمنه نقل گردیده است و در ادامه آمده: «مفهوم بیت ظاهراً ناظر به ممارست به خطا در یک تجربه است. سنایی در جایی دیگر گفته است:

هر زمان تازه‌تر بود نمطش خصم خواند همی حدیث بطش

و در جای دیگر:

کاین سخن باز هم از آن نمط است تا چو دیگر سخن صفیر بط است

که ربطی به حدیث بط کلیله ندارد و باید اشاره به چیز دیگری داشته باشد. در حیاه‌الحیوان الکبری (۱۲۶۸: ۱\۱۷۷) ذیل امثال مربوط به بط، مثل «للبط تهددین بالشط» آمده، به معنای بط در ساحل با خطرات زیادی مواجه

می‌شود. در عجایب‌المخلوقات که در حدود قرن ششم تألیف شده، هم حکایتی آمده که بیانگر ساده‌لوحی این پرنده است: «بط مرغی است ثقیل، عاجز، صیاد آن را به‌آسانی گیرد...صیادی حکایت کرد و گفت: صد مرغ‌آبی بگرفتم. و کدویی بزرگ در آب افکندم تا بر سر آب می‌رفت و مرغ‌آبی آن را می‌دید و با وی الف می‌گرفت. آنگه کدو را برگرفتم و زیر وی سولاخ کردم و سر را در کدو کردم و جای دو چشم را سولاخ کردم و از آن سولاخ نگه می‌کردم و در آب می‌رفتم و مرغی را می‌گرفتم و بال‌های وی می‌شکستم و بر آب می‌افکندم. پس جمله برداشتم»(سنایی، ۱۳۹۷: ۹۲۰-۹۲۱).

بررسی و نقد بیت

ملاحظه می‌شود آنچه در شروح مذکور محل بحث بوده، نقل داستان بط است؛ البته عبداللطیف به برخی مفردات ازجمله «یا» در «غلطی» و «بطی» پرداخته و آن را «یا» ی خطاب دانسته است که منظورش معنای «هستی» یا همان دوم شخص مفرد است که این مطلب را علایی نیز تکرار کرده است؛ لکن دربارهٔ موضوع اصلی یعنی «حدیث بطی» که اساس ابهام بیت است، عبداللطیف داستانی را مطرح نموده که صرف نظر از مشخص نبودن مأخذ آن، کوشش کرده بر مبنای آن معنایی برای این بیت ارائه کند.

مطالب عباسی بعدها اساس دیگر شروح قرار گرفته است و اغلب شارحان معنای بیت را به همین داستان گره زده‌اند. از میان پنج شرح مورد بحث، دو شرح (طریقه بر حدیقه و شرح مشکلات حدیقهٔ سنایی) کاملاً همان داستان و توضیحات را نقل کرده‌اند (البته شرح مشکلات حدیقهٔ سنایی علاوه بر آن به داستان کلیله هم اشاره و آن را نقد کرده است)، یک شرح (شرح دشواری‌هایی از حدیقه‌الحقیقه سنایی) با اشاره به تقریرات علامه دهخدا در امثال و حکم و لغت‌نامه، حدیث بط را به داستانی از کلیله‌ودمنه پیوند زده است. در متن پنجم یعنی تصحیح و تحقیق حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه نیز در تبیین حدیث بط، ضمن نقل داستان کلیله و تکرار سخن منقول از مرحوم دهخدا: «ممارست به خطا در یک تجربه»، معنای بیت را ناظر به مثلی منقول در حیاه‌الحیوان الکبری و داستانی از عجایب‌المخلوقات دانسته‌اند؛ به سخنی دیگر، به جای مثل امثال و حکم دهخدا و داستان کلیله‌ودمنه، مثل و داستانی دیگر آمده، اما اصل موضوع چندان تفاوت نکرده است.

نقطهٔ اتصال همهٔ این شروح این است که همه آنها **حدیث بط** را دال بر داستانی دانسته‌اند که دربارهٔ بط یا به عبارتی جهالت بط بوده است، لیکن برخی به کلیله استناد کرده‌اند و برخی به عجایب‌المخلوقات.

پرسش اصلی این است کدام نشانه متنی شارحان را قانع کرده است که این بیت به داستانی اشاره می‌کند و حاصل آن مثلاً «ناظر به ممارست به خطا در یک تجربه» مانند تجربهٔ مرغابی یا بط است؟

کم توجهی به ساختار متن

تو در این راه معرفت غلطی		سال و مه مانده در حدیث بطی

(سنایی، ۱۳۷۴: ۶۹)

به نظر می‌رسد روشن شدن معنای بیت مورد نظر در گروِ سه مرحله است: در **مرحلهٔ نخست** باید **ساختار دستوری** بیت، بویژه مصراع دوم را بررسی کنیم. در شرح متون عمدتاً به ساخت دستوری متن توجه نمی‌شود، درحالی‌که تبیین چگونگی نحوِ متن، گام اول ِدریافت معنای آن است. بیت مذکور نیز از این قاعده مستثنا نیست و در شروح موردِ بحث چیزی دراین‌باره نیامده و اغلب به بیان کلی موضوع بسنده کرده‌اند؛ فقط در شرح دشواری‌هایی از حدیقه سنایی، پس از نقل سخنان علامه دهخدا و بیان داستانی از کلیله، آمده: «"در حدیث بط بودن" کنایه از اشتباه کاری و درک درستی از حقیقت نداشتن است.»(دری، ۱۳۹۲: ٤٤). اگر به ساخت دستوری متن توجه کنیم، چنین کنایه‌ای از آن برنمی‌آید، زیرا ساخت نحوی متن بدین صورت است: **تو سال و مه در حدیث بط مانده‌ای**؛ به سخنی دیگر شارح محترم **مانده** را از متن حذف کرده و حتماً متن را چنین فرض کرده: **تو سال و ماه در حدیث بط هستی!** که توانسته کنایهٔ «در حدیث بط بودن» را از آن استخراج کند. پیداست که بر اساس نحوِ متن چنین کنایه‌ای از آن به دست نمی‌آید.

در **مرحلهٔ دوم** باید به **مفردات متن و ترکیبات** پرداخت؛ چنانکه اشاره شد، مناط بحث در اینجا مصراع دوم است. در این مصراع **ماندن** از نظر قاموسی و **حدیث بط** از جهت اشارات! درخور تأمل‌اند.

ماندن: ازجمله معانی «ماندن» که به نظر می‌رسد با متن حاضر سازگارتر است عبارت است از: **درنگ کردن، مشغول شدن**؛ با این وصف می‌توان گفت معنای مصراع بدین صورت است: تو سال و مه مشغول حدیث بط هستی.

حدیث بط: نکتهٔ دوم و گرانیگاه بحث که شروح مختلف بر آن متمرکز شده‌اند، **حدیث بط** است که در شروح مذکور اجمالاً بدین صورت آمده است:

گویا نخست عبداللطیف عباسی گفته است که حدیث بط به داستان بط و روباه اشارت دارد و بر این مبنا داستانی را، چنانکه آمد، آورده است؛ اما داستان مذکور در معنایی که عباسی ارائه کرده دخالتی ندارد: «می‌فرمایند تو در راه حق معرفت را غلط کرده‌ای و سال و ماه در قیل و قال این راه درنگ و دیر مانده‌ای (عباسی، ۱۳۸۷: ۵۷). علایی در توضیح این بیت چیزی بر گفته‌های عبداللطیف نیفزوده است (بهادر، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷). در شرح مشکلات حدیقه سنایی (طغیانی، ۱۳۸۲: ۶۹-۷۰) ضمن اشاره به داستانی از کلیله، همان مطالب عباسی آمده است. در شرح دشواری‌هایی از حدیقه سنایی، تنها همان داستان کلیله جایگزین داستان عباسی شده و همان‌طور که پیشتر اشاره شد، کنایه: «"در حدیث بط بودن" به معنای اشتباه کاری و درک درستی از حقیقت نداشتن» (دری، ۱۳۹۲: ۴۴) را از بیت به دست داده که با ساختار نحوی متن متناسب نیست. در تحقیق و تصحیح حدیقه هم با اشاره به داستان کلیله و اینکه

«مفهوم بیت ظاهراً ناظر به ممارست به خطا در یک تجربه است»(سنایی، ۱۳۹۷: ۹۲۰)، داستان مذکور را با این بیت بی‌مناسبت دانسته و مَثَل و داستان دیگری آمده است! منتها باز چگونگی پیوند آن با بیت سنایی مشخص نشده است.

مرحله یا گام سوم، تبیین معنای بیت با توجه به جایگاه آن در ساختار متن و پیوند آن با دیگر ابیات است. سنایی بیتِ مورد بحث را در فصلی با عنوان «اندر صفا و اخلاص» آورده است. حاصل ابیات مختلف این فصل مبتنی بر این موضوع است که: باید آینۀ دل از نفاق و نیرنگ زدوده شود و در آن شک و تردید نباشد؛ اگر نوری در آینۀ دل نمی‌تابد، عیب از نور نیست، از آینۀ دل است... سپس سنایی می‌گوید: تو در راه معرفت در اشتباهی، سال و ماه در حدیث بط (ی) مانده‌ای (سنایی، ۱۳۷۴: ۶۸-۶۹). به عبارتی در اینجا سخن از توجه به دل و حال است و به نظر می‌رسد سنایی در این بیت معتقد است کسانی که مشغول حدیث بط (ی) هستند، نمی‌توانند به معرفت دست یابند، فارغان از معرفت کسانی هستند که به جای پرداختن به دل، به حدیث بط روی آورده‌اند؛ به سخنی دیگر، حدیث بط نقطۀ مقابل معرفت قلبی است. با توجه به این موضوع، باید حدیث بط (ی) به چیزی فراتر از مرغابی و روباه دلالت کند برای روشن‌تر شدن موضوع باید به دیگر کاربردهای ترکیب حدیث بط (ی) در حدیقۀ سنایی توجه کرد؛ به قول وینوگرادوف باید زبان هر اثر را به‌گونه‌ای جداگانه بررسی کرده، سپس زبان آن را با زبان مجموعۀ آثار مؤلف در نظر گرفت؛ پس از این دو پلۀ پژوهش، باید زبان آثار دیگری را که در دوران اثر مورد بحث نوشته شده‌اند، بررسی کرد (احمدی، ۱۳۷۲: ۵۲).

جستجو دراین‌باره نشان می‌دهد سنایی در دو موضعِ دیگر حدیقه، از حدیث بط سخن به میان آورده است:

۱- در حکایتی محمود غزنوی بوبکر قهستانی را به روم می‌فرستد و به او می‌گوید که اگر رومیان با تو جدل کردند باید جوابی از سر لطف به آنان بدهی... پس از آنکه پیغام به روم رسید:

چون شنید این سخن عظیم الروم　　کرد دستور خویش را معلوم
کاین سخن باز هم از آن نمط است　　نه چو دیگر سخن حدیث بط است

(سنایی، ۱۳۷٤: ٥٦٥)

۲- در فصلی دیگر با عنوان «افتخار نفسه علی اهل عصره» به رجحان سخن خویش بر همگان می‌پردازد، در ابیاتی از این فصل، می‌گوید:

کس نگفت این چنین سخن به جهان　　ور کسی گفت گو بیار و بخوان
هر زمان تازه‌تر بود نمطش　　خصم خواند همه حدیث بطش

(همان، ۷۱۲)

به نظر نمی‌رسد این ابیات با داستان مرغابی و روباه در پیوند باشند و با این داستان بتوان مشکل آنها را برطرف نمود؛ چنانکه ملاحظه می‌شود در این ابیات، بحث اصلی اصالت سخن است و اینکه مدعیان برای عیبگیری به سنایی، سخنان بی‌مانند و اصیل او را (طبق گفته خودش) مانند حدیث بط می‌دانند. روشن است در این موارد عبارت «ممارست به خطا در یک تجربه» یا معانی‌ای از این دست، نمی‌تواند به روشن شدن موضوع کمک کند.

آنچه در این ابیات و بیت مورد بحث مکرر است، ترکیب **حدیث بط** است که سنایی در همه‌جا آن را با سخنان بیهوده یا سخنِ غیرِ اصیل مرتبط کرده است. در این ترکیب با دو واژه «حدیث» و «بط» روبه‌رو هستیم. با توجه به آنچه در شروح آمده، اغلب شارحان حدیث را در یکی از معانی واژگانی یعنی «سخن و کلام» به کار برده‌اند و جالب اینکه از دیگر معانی آن ازجمله معنای اصطلاحی این واژه چشم‌پوشی کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد واژهٔ **حدیث**، بویژه اینکه این واژه با خصم نیز همراه شده، در معنای اصطلاحی به‌کار رفته است؛ یعنی سخنی که از پیامبر (ص) رسیده است. این واژه به بط اضافه شده، با این وصف حدیث بط می‌تواند به معنای حدیثی باشد که مرتبط با بط است، به عبارتی این حدیث یا دربارهٔ بط است یا مرتبط با شخصی با نام یا کنیهٔ بط. با این وصف باید میان حدیث و بط (ی) بتوان رابطه‌ای یافت؛ پیوندی که بتوان آن را با بیت سنایی نیز درخور دانست.

در میان محدثان قرن چهارم به یکی از پیشوایان علم حدیث و فقهای حنبلی به نام ابن بط، ابن بطه و ابن بطی برمی‌خوریم. عبیدالله بن محمد معروف به ابن بطه محدث، فقیه، متکلم در سال ۳۰۴ هجری قمری در عُکْبَرا متولد شد و در ۳۸۷ هجری قمری در همان‌جا درگذشت (کحاله، ۱۴۱۴: ۳۵۴). در جلد سوم دانشنامهٔ بزرگ اسلامی ذیل مقالهٔ «ابن‌بطه عکبری»، ضمن اشاره به زندگی ابن بطه به چند نکته دربارهٔ او اشاره کرده که به نظر می‌رسد در خور اهمیت باشد: نخستین موضوع اینکه سند روایات ابن‌بطه از زمان خود او مورد طعن مخالفان بوده و علمای غیر حنبلی پس از ابن‌بطه، در عین احترام به شخصیت او، وی را در حدیث ضعیف دانسته‌اند. علاوه بر این او را دارای تألیفات فراوان دانسته‌اند به‌گونه‌ای که تعداد آثار وی را تا یک صد اثر ذکر کرده‌اند (دانشنامه بزرگ اسلامی، ۹۷۷: ج ۳). همچنین در کتاب إبطال التأویلات لأخبار الصفات اثر محمد بن الحسین بن محمد بن خلف ابن الفراء (المتوفى: ٤٥٨ هـ) ۱ هنگامی که از ابن بطه یاد می کند به سستی و ضعف روایات او اشاره می کند؛ مثلاً درباره صفات خداوند از افراد متعددی نام می برد ولی هنگامی که به کتاب الابانه و ابن بطه می‌رسد تأکید می کند که این افراد (کسانی را که پیشتر نام برده) اجازه نمی‌دهند که سخن باطل یا ضعیفی نقل شود (الفراء، ۲۰۱۰، ج ۹۱: ۱) به عبارتی الفراء می‌داند سخنی که به ابن بطی منتسب باشد، ضعیف است و دیگران از پذیرش آن ابا دارند. همچنین رضا نعسان در مقدمه کتاب الشرح و الابانه علی اصول الدیانه ابن بطه، ضمن رد نظر ابن اثیر و ابن جوزی مبنی بر اینکه بطه از اجداد وی بود تأکید می‌کند که بطه به عنوان کنیتی برای وی به کار می‌رفته است (ابن بطه، ١٤٢٣: ١٩) علاوه بر این، اشاره می‌کند ابن حجر و ذهبی احادیث این بطه را ضعیف می‌شمرده‌اند (همان، ۱۹). چنین پیشینه‌ای نشان می‌دهد احادیثی که از طریق ابن بط (ه) روایت شده، احادیثی ضعیف و غیرقابل اعتنا بوده‌اند. اکنون با توجه به نکته‌هایی از این دست،

می‌توان گفت میان حدیث و بط رابطه‌ای معنادار است؛ به دیگر سخن، حدیث در اینجا در معنای اصطلاحی خود به‌کار رفته است و مضاف‌الیه آن یعنی بط یا بطی فی‌الواقع اسم خاص است؛ بدین ترتیب با توجه به اینکه احادیثی که ابن‌بطی روایت می‌کرده، از زمرهٔ احادیث سست بوده، ***می‌توان گفت حدیث بط (ی) یعنی سخنان سست و ضعیف.***

ابیات دیگری هم که از حدیقهٔ سنایی نقل شد، مؤید همین معنا هستند. بر این اساس، به نظر می‌رسد معنای بیت مورد بحث بدین‌گونه است:

تو در راه معرفت (خدا که از راه دل است، با توجه به ابیات پیشین این بیت) در اشتباهی و تمامِ اوقات، مشغول سخنانِ بیهوده و سست هستی.

بویژه اینکه در بیت بعد از سخنان بیهوده و بیهوده‌گویان سخن به میان می‌آید:

گوید آن کس در این مقال فضول   که تجلی نداند او ز حلول

(سنایی، ۱۳۷۴: ٦۹)

نتیجه‌گیری

چنانکه اشاره شد در تحلیل متن، باید علاوه بر توجه به ساختار متن و فرامتن‌ها، از جزئی‌نگری و نقل بدون بررسی سخنان دیگران پرهیز کرد. در شروح متون فارسی ازجمله حدیقهٔ سنایی، در مواضع متعدد، عواملی از این دست موجب از دست رفتن معنای متن شده است؛ ازجمله در بیت:

تو در این راه معرفت غلطی   سال و مه مانده در حدیث بطی

عبداللطیف عباسی **حدیث بط** را متضمن داستانی دانسته و شارحان پس از وی نیز بدون توجه به ساختار متن، بویژه ساختار نحوی آن، سخنان وی را تکرار کرده‌اند؛ درحالی‌که نمی‌توان میان داستان منقول در شروح و بیت مذکور، پیوندی برقرار کرد. برخی دیگر اشارهٔ داستانی را تغییر داده‌اند و داستانی دیگر را جایگزین آن کرده‌اند، لیکن مشکل متن به حال خود باقی مانده است؛ حال‌آنکه اگر عبارت مذکور را با توجه به ساختار متن و فرامتن در نظر آوریم، اشارت و معنا دیگرگون می‌شود.

به نظر می‌رسد این عبارت به شیوهٔ یکی از محدثان به نام ابن بطی یا ابن بطه اشارت دارد که در میان محققان دانش حدیث، احادیث وی به سستی شهره بوده و گویا به منقولات وی وقعی نمی‌نهاده‌اند؛ بر این مبنا، حدیث بط، می‌تواند در معنای عام، شامل هر سخن سست و بی‌پایه‌ای شود و همان‌طور که اشاره کردیم، ابیات دیگر سنایی نیز این معنا را تأیید می‌کند.

پی‌نوشت

۱. آقای دکتر فتوحی مرا به این کتاب رهمنون شدند.

کتابنامه

احمدی، بابک. (۱۳۷۲). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.

ابن بطه، عبید الله بن محمد بن محمد بن حمدان العکبري. (۱۴۲۳|۲۰۰۲). الشرح و الابانه علی اصول الدیانه. تحقیق و دراسه: رضا نعسان معطی. المدینه المنوره و سوریا: دار العلوم و الحکم.

اشرف زاده، رضا . (۱۳۹۲). آب آتش فروز. تهران: انتشارات جامی.

بهادر، علاءالدین احمد. (۱۳۸۹). طریقه بر حدیقه، شرح کامل باب اول حدیقه سنایی. به کوشش دکتر محمدرضا یوسفی. قم: انتشارات دانشگاه قم.

حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۹۱). گزیده حدیقه‌الحقیقه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

درّی، زهرا. (۱۳۹۲). شرح دشواری‌هایی از حدیقه‌الحقیقه سنایی. تهران: انتشارات زوّار.

راستگو، سید محمد. (۱۳۸۸). گزینش و گزارش از حدیقه سنایی. تهران: انتشارات سمت.

دانشنامه بزرگ اسلامی. مرکز دائره‌المعارف اسلامی. مقالۀ «ابن‌بطه عکبری». ج ۳. ص ۹۷۷.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۷٤). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه. تحقیق و تحشیه مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۹۷). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه. مقدمه، تصحیح، تعلیقات و فهرست‌ها دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر سید مهدی زرقانی. تهران: انتشارات سخن.

طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۲). شرح مشکلات حدیقه سنایی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

عباسی، عبداللطیف. (۱۳۸۷). لطایف الحدایق. مقدمه، تصحیح و تعلیق دکتر محمدرضا یوسفی و دکتر محسن محمدی. قم: انتشارات آیین احمد.

الفراء الحنبلي، محمد بن الحسین. (۲۰۱۰). إبطال التأویلات لأخبار الصفات. تحقیق و دراسه محمد بن حمد الحمود النجدي. الکویت: دارایلاف الدولیه للنشر والتوزیع.

کحاله، عمر رضا. (۱۴۱۴). معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیه. بیروت: مؤسسه الرساله.

مدرس رضوی، محمدتقی. (بی‌تا). تعلیقات حدیقه‌الحقیقه. تهران: انتشارات علمی.

مهدوی دامغانی، احمد. (۱۳۸۲). درباغ روشنایی: گزیدۀ حدیقه‌الحقیقه. تهران: انتشارات سخن.

نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۷۳). کلیله‌ودمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. تهران: انتشارات امیر کبیر.